

هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)

حسین صولتی سرونندی*^۱

علیرضا کلاتر مهرجردی^۲

چکیده

هویت فرهنگی از عمده مسائل مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی فرهنگی در همه جوامع، بالاخص جوامع در حال گذار است. امروزه عمده متفکران اجتماعی در جهان در سایه تحولات سریع و پرشتاب عصر جدید به تبع جهانی‌سازی و جهانی‌شدن، در ادبیات خود از مسأله هویت و بالاخص جایگاه فرهنگ در منازعه‌های آفندی و پدافندی سخن گفته‌اند. یکی از راه‌های پرداختن به این مسأله در ایران، بررسی اندیشه‌های فکری- فرهنگی راهبردی در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی است. فهم و شناخت خوانش اسلامی- به عنوان یکی از جریان‌های اصلی پس از وقوع انقلاب اسلامی که به نیروی هژمون مبدل گشت از هویت فرهنگی و دگرهای معارض آن می‌تواند بستر مناسبی برای سیاست‌گذاران، مجریان و حافظان راهبردی الگوی خطوط فرهنگی درگفتمان دفاعی فراهم سازد. این مقاله با کاربست تحلیل گفتمان به مثابه یک روش و همچنین به تصویر کشیدن روش تحلیل گفتمان به مثابه یک مدل، درصدد تبیین الگوی هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (حفظه الله) به عنوان منتخب طیف اسلام‌گرا است. در پایان پژوهشگر با این باور که مؤلفه‌های هویت- فرهنگی در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) حاوی گفتمانی دفاعی برای غلبه بر جریان‌های رقیب است، موفق به ترسیم الگوی پیش فرض می‌گردد.

واژگان کلیدی:

فرهنگ، گفتمان دفاعی، هویت دفاعی، گفتمان، هویت فرهنگی

^۱ کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور تهران* (نویسنده مسئول) (hossein.solati1361@gmail.com)

^۲ دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، هیئت علمی جهاد دانشگاهی

مقدمه

هویت به مثابه سیالیت نهفته در «گفتمان» معنایی در حال تطور است که در انواع متون، در نهادهای گوناگون و در سراسر زندگی روزمره یافت می‌شود اما این یافته‌ها بر سه محور سیاست، فرهنگ و اجتماع استوار است (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۷). هویت فرهنگی بعنوان یکی از سه محور اصیل هویت ملی در فرآورده‌های گفتمانی متفاوت، معانی گوناگونی به همراه دارد اینکه ما که هستیم چگونه خود فرهنگی‌مان را تعریف می‌کنیم چه اغیاری فرهنگی برای خود شناسایی و چه نسبتی با دیگران داریم یک مساله بنیادی است.

هویت‌ها، پدیده‌های فراتاریخی، عاری از مذهب، ایدئولوژی و جغرافیای خاص نیستند بلکه سازه‌های اجتماعی‌اند که با تکیه بر حافظه جمعی و تمامی منابع معرفتی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماع، ایجاد، تعریف و در طول زمان دوباره تفسیر می‌شوند و جوامع، حکومت‌ها و نهادها در ایجاد، حفظ و تقویت آن نقش اساسی دارند (گل‌محمدی، ۱۳۸۰). با ورود واژه هویت فرهنگی در قرن بیستم به مباحث علوم اجتماعی و پررنگ‌تر شدن ابعاد گوناگون آن و همچنین برجسته‌تر شدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی بین کشورها لزوم ایجاد و تقویت یک هویت مشترک که مورد علاقه و تعهد مردم یک کشور باشد دوچندان شد (پناهی و معروفی، ۱۳۹۵). چراکه نابسامانی فرهنگی و نه کثرت‌گرایی فرهنگی، زمینه لازم برای پیدایش بحران هویت و در ادامه بستر بحران دفاعی را فراهم می‌آورد؛ آنومی فهم‌ها از دگرها^۱ و خصومت‌های جامعه، منظومه‌ای آشفته از تمایزات را می‌سازد که همبستگی ملی، گفتمان دفاعی و به عبارتی دفاع منجمم را با چالش مواجه می‌کند. در عرصه عمل اجتماعی و فرهنگی، انسانها به دلایل مختلف، از جمله دلایل هویتی و ایمانی به گروهها، جریان‌ها و دسته‌بندی‌ها تقسیم می‌شوند (هابرماس و همکاران، ۱۳۹۱). ایران امروز هم محصول دسته‌بندی‌های مختلفی است که هابرماس از آن سخن گفته است؛ اسلام‌گرایی برگرفته از مبانی هویتی، یکی از جریان‌های هژمون بعد از انقلاب اسلامی است که در فرآیند عرفی کردن دین و جدایی دین از حوزه سیاست در ایران، اسلام‌سیاسی^۲ را به مثابه گفتمان دفاعی متولد ساخت؛ و بتدریج گفتمان خویش را شکل، نظم و سامان منطقی داد. اوج‌گیری و بازتاب آثار فعالیت‌های اسلام‌گرایانه سبب شد تا اسلام به مثابه یک هویت فرهنگی نوین به ساخت گفتمانی متمایز از گفتمان‌های هم‌عصرش اقدام نماید و دال مرکزی «تحول‌خواهی بر پایه اسلام» را برای آرمان‌های انقلاب

1. Antagonism
2. political Islam

ایدئولوژیکش بر ساخت تا از هویت فرهنگی بر گفته از «امت واحده اسلامی» با ابژه‌ایی چون «جامعیت دین»، گفتمانی دفاعی بسازد.

کاستلز^۱ می‌گوید: «منظور از هویت، بر ساختن فرهنگی معنا توسط کنشگر اجتماعی است» (۱۳۸۴). در پایان قرن بیستم مجموعه‌ای از رویکردهای نوین به مسأله هویت ایجاد شد که دارای ساحت هستی‌شناسانه و بر نقش زبان و گفتمان در ساخت آن تأکید نمود (مسکوب، ۱۳۷۹) که از یک طرف، باور به تشابه ذهنیت، هویت و ساختار زبان دارد (تاجیک، ۱۳۸۴) و از طرفی دیگر گفتمان‌ها را منظومه‌های معانی دانسته که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، معنا می‌یابند؛ لذا حفظ هویت فرهنگی بعنوان پشتوانه‌ی هویتی یک اجتماع در گرو منظومه معانی و ساختارهای زبانی عاملان فرهنگی است.

در این پژوهش و در نظریه گفتمان دفاعی، از اصطلاح عاملان فرهنگی^۲ استفاده شده که منظور آن دسته از افراد، متفکران و جریان‌ی‌هاست که نقش راهبردی در پیش‌برندگی یک گفتمان دارد و از عوامل موفقیت و یا افول یک گفتمان محسوب می‌شود. آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از جمله متفکرانی است که در ایران امروز یکی از عاملان فرهنگی کشور محسوب می‌شود هر چند بر اساس میراث اندیشگی سیدقطب پیرامون بازگشت به اصل و ذات دین و حاکمیت خداوند به جای حاکمیت طاغوت (سیدقطب، ۱۳۷۸). تولد هویت فرهنگی اسلام‌گرا مربوط به دهه چهل و سراسر پنجاه است اما امروزه تحول‌آفرینی و خروش آن تا حد زیادی به دست عاملان فرهنگی امروز است. البته عاملان فرهنگی یک گفتمان، به تنهایی بار فرهنگ را بر دوش ندارند. در این فضا، هویت فرهنگی اسلام‌گرا به مثابه گفتمان دفاعی در برابر «دگر» سکولار صف‌آرایی کرده و اسلام را نوعی ایدئولوژی تلقی می‌کند که جامعیت دارد. اسلام‌گرایان ایران و هویت فرهنگی مدنظرشان، اسلامی‌سازی جامعه را تنها راه چاره‌ی مشکلات جوامع مسلمان تلقی می‌کنند. این گفتمان در صدد نفی تجدد نیست، بلکه نوعی مدرنیته‌ی بومی را پیشنهاد می‌کند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶). اگر پنج مرحله برای گفتمان‌سازی اسلام‌گرا در نظر بگیریم (پیدایش بحران و بی‌قراری در گفتمان مسلط، پیدایش نظریه‌ها و گفتمان‌های جدید، شمولیت یک نظریه و جذب نیروهای اجتماعی متنوع، استقرار و هژمونی گفتمانی و چالش‌ها و غیریت‌سازی‌های درون گفتمانی هژمونیک شده) بخشی مهمی از آن در زمان زعامت آیت‌الله خامنه‌ای صورت گرفته است. در این معنا استقرار و هژمونی کامل گفتمان اسلام‌گرا پس از

1. Manuel Castells
2. Cultural Subjects

انقلاب و در زمان آیت‌الله خامنه‌ای رخ داد و غیریت‌سازی‌هایی که از قبل انقلاب وجود داشت با نمود بیشتری هژمون یافت. این جریان هویتی به مثابه مکانیزم دفاعی در برابر دگرها ایستاد. اسلام‌گرایان در راه احیای هویت فرهنگی اسلامی‌شان در مقابل گرایش‌های جهان‌مدرن و هویت‌های غیردینی جدید به دفاع برخاستند در این میان آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک عامل فرهنگی تأثیرگذار، هویت فرهنگی جدید را به مثابه گفتمان دفاعی ترسیم نمود و کوشید تا فرهنگ، انسان و جامعه را به شیوه‌ای ضدلیبرالی براساس ارزش‌های سنتی و دینی بازسازی کند. اقدامات مختلفی برای هژمون شدن از قبیل برقراری پوشش و حجاب، نظارت و کنترل اسلامی بر مدارس و آموزشگاه‌ها، گزینش کارگزاران و کارمندان عمومی، بازخوانی تاریخ از منظر انقلاب، منع ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های فکری «غیراسلامی» و... در راه احیای هویت فرهنگی در قالب ایدئولوژیک به انجام رسانید (بشیریه، ۱۳۸۲) و راهی را که امام خمینی (ره) شروع کرد آیت‌الله خامنه‌ای ادامه داد و جامعه را به سوی تولد آرمان‌های گذشته برای یک انقلاب فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی، سوق داد. با توجه به آنچه بیان شد این پژوهش در نظر دارد هویت فرهنگی را به مثابه گفتمان دفاعی تبیین کند تا مولفه‌ها و عناصر این گفتمان را برای سیاست‌گزاران نظام جمهوری اسلامی ایران روشن نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هویت فرهنگی

نزدیک به پنج دهه از عمر مطالعات فرهنگی می‌گذرد اما در یکی دو دهه اخیر مطالعات فرهنگی به جریانی گسترده تبدیل شده است به منظور مطرح کردن فرهنگ به مثابه هویت می‌بایست به جنبه‌های وحدت‌دهنده آن بیشتر تأکید کرد. در این مفهوم هر فرهنگ، بر حسب شکل پذیرفته شده از جانب جامعه، موقعیت خود را نسبت به دیگر فرهنگ‌ها مشخص می‌سازد؛ بنابراین، هویت فرهنگی جنبه ذهنی پیدا می‌کند که فرد با در اختیار داشتن آن به موقعیت خود، پی می‌برد و به کمک این آگاهی به تنظیم روابطش می‌پردازد (نورائی، ۱۳۹۳). در این پژوهش فرهنگ به مثابه یکی از جنبه‌ها و صورت‌های هویت، هویت فرهنگی را می‌سازد.

اسلام‌گرایی

در این پژوهش اسلام‌گرایی برگرفته از هویت فرهنگی ایرانیان، یکی از جریان‌های مؤثر قبل و بعد از انقلاب بوده است که بعد از دهه ۱۳۴۰ و با ظهور امام خمینی (ره) و در ادامه جانشینی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) جریان موصوف شکل جدی‌تر به خود گرفت. این جریان با در اختیار

گرفتن رهبری انقلاب ۱۳۵۷ و ساماندهی اسلام‌سیاسی در قامتی جهانشمول، به گفتمانی هژمون تبدیل شد.

دفاع

حقوق بین‌الملل کلاسیک توسل به زور از سوی دولت‌ها را ممنوع اعلام نکرده بود. در قرن بیستم، قواعد مربوط به منع استفاده از زور بتدریج توسعه یافت. این تحول از محدودیت‌های خاصی در مورد حق دولت «در توسل به جنگ» در میثاق جامعه ملل شروع و تا منع جهانی «جنگ تجاوزکارانه» به عنوان ابزار سیاست ملی در معاهده عمومی منع جنگ ادامه یافت. گرچه استفاده از زور در روابط بین‌الملل ممنوع شد، اما در بعضی از موارد توسل به زور می‌تواند مجاز باشد و آن حق ذاتی دفاع از خود است (کرمزاده، ۱۳۸۲). هرچند شکل دفاع در عرصه‌ی بین‌الملل معطوف به زور فیزیکی است اما آنچه در این پژوهش مدنظر است دفاعی مبتنی بر رویکرد فرهنگی است و پژوهشگر بیش از پرداختن به دفاع، به هویت فرهنگی به مثابه گفتمان خواهد پرداخت.

آیت‌الله خامنه‌ای و پیشینه فرهنگی ایشان

سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای در ۲۹ فروردین ۱۳۱۸ مقارن با سالهای جنگ جهانی دوم، در مشهد و در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. ایشان در قم نزد بزرگان علوم دینی تلمذ نمود. وجهه سیاسی امام (ره) برای اولین بار در جریان لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی بر وی مکشوف و آغاز این آشنایی مصادف شد با دستگیری کوتاه در ۱۲ و ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، شبی که پیش از این حادثه مهم، وی وصیت‌نامه خود را نیز نگاشته بود؛ با این حال ایشان اولین بارقه‌های گفتمان اسلام‌گرایی خود را مرهون سیدمجتبی نواب صفوی (میرلوحی) در مشهد می‌داند. پس از تأسیس حسینیه‌ارشاد در سال ۱۳۴۷، آیت‌الله خامنه‌ای، به دعوت استاد مطهری در سال ۱۳۴۸ در آن محفل فرهنگی حضور می‌یافت. حسینیه‌ی ارشاد پیش از انقلاب گهواره‌ی بزرگ گفتمان اسلام‌گرا و محل آشنایی بسیاری از اعضای این جریان بود. آیت‌الله خامنه‌ای در بهار ۱۳۴۹ در جهت عمق بخشیدن به روند نهضت اسلامی و تقویت بن‌مایه‌های عقیدتی مبارزه با رژیم پهلوی، سلسله جلساتی را پایه‌گذاری کرد که در آن ایده‌ی مبارزاتی خود مبنی بر تدوین «جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی» به بحث و بررسی گذاشت. او با ایراد سخنرانی در حسینیه ارشاد، مسجد الجواد تهران (به دعوت انجمن اسلامی مهندسين در سال ۱۳۵۰) و مسجد نارمک تأثیر زیادی در روشننگری نسل جوان، به ویژه دانشجویان و

دانش‌آموزان می‌گذاشت. در همین راستا در اعتراض به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و در نهایت برای در دی ۱۳۵۳ دستگیر و در شهریور ۱۳۵۴ آزاد شد و پس از آن رژیم پهلوی اقدام به تبعید وی به شهرهای مختلف از جمله ایرانشهر و جیرفت می‌نماید. در این میان اقدام به نشر «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» و تشکیل حزب جمهوری اسلامی می‌نماید که بعدها به عنوان سومین و چهارمین دبیرکل حزب، گفتمان دفاعی اسلام را راهبری می‌نماید. در دوران جنگ تحمیلی آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر شرکت فعال در جبهه‌ها بر این باور بود که «صلح تحمیلی بدتر از جنگ است» لذا با صلح قبل از عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی مخالفت نمود. در تابستان ۱۳۶۷ و در آخرین سال ریاست‌جمهوری‌اش قطعنامه‌ی ۵۹۸ به تصویب رسید. در این اثنا و در پی اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در تصویب لوایح مختلف و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان اولین رئیس مجمع تشخیص مصلحت منصوب و از ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ نیز به عنوان جانشین حضرت امام (ره) برگزیده شدند. برای درک ساحت گفتمان دفاعی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تألیفات، بیشترین تلاش پژوهشگر معطوف به سخنرانی‌های وی بوده و در نهایت آگاهی از لیست تألیفات ایشان در درک بهتر مسیر هویت‌فرهنگی به مثابه دال مرکزی گفتمان دفاعی مؤثر خواهد افتاد: چهارکتاب اصلی علم رجال، پیشوای صادق، از ژرفای نماز، صبر، روح توحید نفی عبودیت غیرخدا، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه قم از تألیفات ایشان بوده است؛ و ترجمه‌های وی که بیشتر حوزه اندیشگی گفتمان اسلام‌گرا را تبیین می‌کند شامل: «آینده در قلمرو اسلام» نوشته‌ی سیدقطب، «صلح امام حسن» پرشکوه‌ترین نرماش قهرمانانه‌ی تاریخ نوشته‌ی شیخ راضی آل‌یاسین، «تفسیر فی ظلال القرآن» نوشته‌ی سیدقطب، «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» نوشته‌ی عبدالمنعم النمر و آخرین ترجمه و تحقیق با عنوان «ادعاینامه علیه تمدن غرب» بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

گفتمان به مثابه روش

معادل‌های فارسی گفتمان نگر، سخن، بحث است. زلیگ هریس^۱ اولین شخصی است که واژه گفتمان را وارد حوزه زبان‌شناسی کرد (مک دانل، ۱۳۸۰). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، معنا می‌یابند. لاکلا و موفه

1. Zellig Harris

هویت فرهنگی دال مرکزی گفتمان دفاعی (در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای)

جایگاه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین هژمونی گفتمان اسلام‌گرا بر دیگر گفتمان‌های عصر حاضر، بیانگر اهمیت تبیین «گفتمان دفاعی» در نگاه و حوزه اندیشگی راهبران آن است لذا این مقاله، با واکاوی اندیشه و نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دال‌ها و نشانه‌های فکری مرتبط ایشان با گفتمان دفاعی را بررسی نموده است. این هویت پژوهی می‌تواند در درک، مفهوم دفاع از «خود» و تمایز از «دگرهای» فرهنگی اسلام یاری‌رسان باشد. در ادبیات راهبردی، دفاع بر اساس مجموعه عوامل گوناگونی از جمله موقعیت ژئوپولیتیک، ناهمواری‌ها، عوامل کمی و کیفی انسانی، فرهنگ راهبردی، تجهیزات نظامی و فناوری و... تحلیل می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۰)؛ در این میان ما نیز به تحلیلی از گفتمان دفاعی برآمده‌ایم که هویت فرهنگی و فرهنگ راهبردی را در اندیشه عامل فرهنگی مدنظر یعنی آیت‌الله خامنه‌ای تبیین نماییم؛ لذا تأکید بر هویت فرهنگی بعنوان دال مرکزی گفتمان دفاعی روشن شد. به عبارتی این پژوهش به هم‌هی جوانب دفاع نپرداخته بلکه تنها به گزینش بخشی از آن یعنی فرهنگ همت گماشته است. لذا برای شناخت عناصر و نشانه‌های گفتمان دفاعی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به سراغ دال‌ها، نشانه‌ها و مفصل‌های هویتی فرهنگ در اندیشه ایشان رفته‌ایم:

«در حقیقت فرهنگ است که هویت و شاکله‌ی معنوی یک ملت را معین می‌کند طبعاً این فرهنگ، شاخص‌های مصادقی دارد. شاخص‌های مصادقی‌اش عقاید است، اخلاق است، آداب است، رفتارهای اجتماعی است، رفتارهای فردی است، خلقیات و خصال ملی است؛ اینها شاخص‌های آن هویت معنوی است. از روی این شاخص‌ها می‌توان کشف کرد و شناخت که این ملت هویتش چیست، شاکله‌ی معنوی‌اش چیست، شخصیت و خودی این ملت کدام است» (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳)؛ بدین ترتیب با بیان شاخص‌های فرهنگ و پیوند آن با «فرهنگ معنوی» به تبیین مرز خودی و غیرخودی بر می‌آید؛ خودشناسی بعنوان یک اصل در گفتمان دفاعی نکته‌ایست که در ادامه بیشتر بدان خواهیم پرداخت و در جایی دیگر می‌فرماید هویت هر ملتی، فرهنگ اوست (بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳) و برای این هویت فرهنگی جنبه‌های آفندی و پدافندی قائل بوده باور دارند که «در زمینه‌ی فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل می‌کنیم، هم در مورد پدافند» (بیانات، ۱۳۹۵/۶/۳). به عبارتی ساده‌تر عناصر گفتمان دفاعی را از دل فرهنگ استخراج می‌کند و معتقد است فرهنگ مهمترین شاخصه‌ای است که ملت‌ها به آن شناخته

شده و از ملل دیگر متمایز می‌شوند (بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸ و ۱۳۷۵/۹/۲۰) و فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه را می‌سازد (بیانات، ۱۳۸۳/۱۰/۰۸). بدین ترتیب گفتمان دفاعی یک ملت در نظر ایشان ربط وثیقی به هویت فرهنگی آن داشته و عناصر فرهنگ بر دین استوار است: اگر پایه‌های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و مواریت فرهنگی خودشان روز به روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود (بیانات، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷)؛ و یا در جایی دیگر با برجسته‌سازی عنصر دین می‌گویند: «ملاحظه می‌کنید که اساس هدف پیغمبران در تفکر اسلامی - ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه - است یعنی تزکیه و تعلیم. همه چیز مقدم برای این مسأله است؛ لذا مقوله فرهنگ مقوله‌ی بسیار مهمی است» (بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تبیین «هویت فرهنگی» به عنوان یک دال مرکزی برای گفتمان دفاعی بر آن است که «اگر یک ملت را از هویت و فرهنگش جدا کردند این ملت آماده خواهد شد که هرچه می‌خواهند بر سرش بیاورند. این ملت دیگر جان پیدا نمی‌کند و استکبار می‌تواند او را به کارهای پست وادار کند و از او نوکری بی‌مزد و منت بگیرد» (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴)؛ بدین ترتیب به «دگر» در عرصه فرهنگ اشاره می‌کند و معتقد است اولین تاکتیک قدرت‌های استکباری برای فروریختن دیوار مقاومت و دفاع این است که هویت فرهنگی آن ملت را انکار کنند و افکاری را در میان آن ملت ترویج نمایند که تمام منافع و امور آن ملت را در مشت خود گیرند. وی این روش را یک ابزار بسیار رایج برای برهم ریختن دفاع در یک ملت دانسته و از آن تحت عنوان «تئوری‌سازی استعمار» یاد می‌کند چرا که اگر یک ملت را از هویت و فرهنگش جدا کنند و آن ملت احساس هویت و شخصیت نکند به راحتی او را به نوکری و بردگی می‌گیرند و کاملاً وابسته و ذلیل می‌شود (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹ و ۱۳۸۷/۰۲/۱۶). نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به استعمار و تهی شدن فرهنگ یک ملت را می‌توان از عناصری دانست که موجبات رشد دال «مبارزه با تهاجم فرهنگی» در گفتمان دفاعی به ویژه بعد از انقلاب دانست؛ بهمین منظور شاهدیم که آیت‌الله خامنه‌ای در بیان دغدغه‌های دفاعی، فرهنگ را یک اولویت می‌داند: «این که شما می‌بینید بنده مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم و گفتم؛ روی آن اصرار ورزیدم؛ راجع به آن حقیقتاً غصه خوردم و تلاش کردم و باز هم به فضل الهی تلاش می‌کنم...» (بیانات، ۱۳۷۳/۴/۲۴)؛ این دغدغه‌ها به تصور ایشان طبیعی است چراکه ما مورد تهاجم هستیم؛ و هیچ شبهه‌ای نباید به ذهن راه یابد که ما یکی از اهداف اصلی و اولی تهاجم هستیم (بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵)؛ و در جایی دیگر می‌گوید: «دشمن می‌خواهد جاپایی از خود به جا بگذارد و عقیده آنها را از انقلاب، دین و امام برگرداند؛ حتی عده‌ای در این که این ملت استقلال

می‌خواهد، خدشه می‌کنند! یعنی درست همان خواست دشمن؛ یعنی تهاجم فرهنگی» (بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). به عبارتی دیگر ایشان بر این باورند که هوشیاری در برابر اصل تهاجم علیه هویت فرهنگی موجبات مقاومت و دفاع بهتر را فراهم خواهد نمود (بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۲۱) و این یعنی پیوستگی فرهنگ و دفاع در یک گفتمان دفاعی مشترک.

معرفی عنصر «معنویت» و برجسته‌سازی «دگر» های فرهنگی توسط ایشان بیانگر اهمیت این دال‌ها در گفتمان دفاعی است لذا با تبیین «تهاجم فرهنگی» بعنوان دگر هویت فرهنگی در سخنرانی‌های مختلف به مفصل‌ها و زنجیره‌های مهم گفتمان دفاعی اشاره می‌کند: «دانستن این‌که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند؛ ما باید این را کاملاً بدانیم. از سالهای هفتادوسه و هفتادوچهار به تدریج و به صورت روزافزون، مبارزه اعتقادی - اخلاقی شروع شد. بنده همان وقتها شروع این مبارزه را احساس کردم و بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردم» (بیانات، ۱۳۸۲/۲/۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای در برابر این تهاجم، دال «استقلال» را برجسته می‌کند و از «استقلال فرهنگی» و «انسان فرهنگی» به عنوان عناصری که می‌توانند در برابر این تهاجمات بایستند نام می‌برد: «ما باید حرکت کنیم... به سمت استقلال به معنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی که از همه عمیقتر و دشوارتر است - باید برویم، به سمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی خودمان باید برویم... یعنی انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ به نظر من وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ ال‌ذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله... اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است» (بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴).

در مجموع مقاومت، مصون‌سازی یا دفاع برای آیت‌الله خامنه‌ای پیش از هرچیز در گرو هویت فرهنگی بعنوان دال مرکزی گفتمان دفاعی است بهمین منظور در سخنرانی‌های مختلف بیان می‌دارند که: «ما از لحاظ فرهنگی باید کشور را، ملت را و جوانان را مصون‌سازی کنیم؛ این برنامه‌ریزی می‌خواهد. این هدف را اول باید قبول کنیم و به آن اعتقاد پیدا کنیم، بعد که اعتقاد پیدا کردیم برویم برنامه‌ریزی کنیم برای این کار» (بیانات، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

خودشناسی و دگرشناسی هویتی در گفتمان دفاعی

نظام معرفتی عامل فرهنگی در برگیرنده‌ی آگاهی، نقد، شناخت «خود»، شناخت فرهنگ خود و نیز شناخت جهان است. اساساً روشنفکر یا یک عامل فرهنگی در یک رابطه‌ی به هم‌تنیده

محکوم به شناخت «جایگاه طبقاتی، ملی، دینی، فرهنگ و شخصیت مای خاص خود و مای انسانی» است (مطهری، ۱۳۷۶). چراکه بدون آن نمی‌تواند از جوهره انتقاداتاندیشی (جهانبگلو، ۱۳۸۴) و بازاندیشی روشنفکرانه بهره‌گیرد و یا از اصول و مبانی اندیشه‌ای مورد توافق، پرسش کند؛ گفتگویی را در جهت‌های جدید به جریان اندازد؛ از خود فاصله بگیرد و در نهایت جغرافیای شناخت را توسعه بخشد. از چنین منظری می‌توان ادعا کرد که روشنفکر یا عامل فرهنگی، کاوشگر هویت است (خرمشاد و سرپرست، ۱۳۸۹). برخی با تأکید بر اینکه هویت، فرآیند بازشناسی «خود» است آن را چنان تنفس کردن، ضرورت زندگی جمعی دانسته‌اند (هارپر، ۲۰۰۶) و اساساً آنچه مهم است تمایز بین «خود» و «دگری» یا دشمن می‌باشد.

با وجود «ازجاشدگی» انقلاب و تغییر در گفتمان‌های موجود، شاهدیم که دال‌های گفتمان دفاعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حفظ گردیده، در همین راستا هر جا سخن از «خود» و دفاع از آن می‌شود بی‌گمان مفصل‌بندی آن با اسلام ایدئولوژیک و انقلابی مدنظر است و هرگاه سخن از «دیگری» می‌شود سخن از تهاجم غرب و تهاجم فرهنگی به میان می‌آید. در گفتمان دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ به حدی فربه است که دفاع و حتی «نظم اجتماعی» را نیز متأثر از کارکردهای فرهنگی جامعه می‌داند. به باور آیت‌الله خامنه‌ای «خودفراموشی» - به معنی فراموش کردن خود - امری خطرناک است که وجود آن در ادبیات سیاسی یک کشور، به ذلت و خواری مردم آن کشور می‌انجامد. اگر «قوم و ملتی، هویت، تاریخ، فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند، نتیجه‌ی آن، ذلت و بدبختی این قوم خواهد بود» (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱). اهمیت «هویت فرهنگی» به قدری است که «با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید» (بیانات، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲)؛ و در جایی دیگر دفاع را جزئی از هویت یک ملت زنده قلمداد می‌کند و بر آن است که ملتی که به فکر دفاع نباشد، در واقع زنده نیست (بیانات، ۱۳۶۸/۰۸/۲۹)؛ اما اینکه این گفتمان دفاعی با چه دگرهایی شناسایی می‌شود بسیار حائز اهمیت است، لذا در مورد «دگر» یا دشمن تهاجم فرهنگی معتقد است: «من مسئله تهاجم، تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملّت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸)؛ وی شرط

موفقیت در گفتمان دفاعی و مقابله با «دگر» یا دشمن را «تقویت ایمان و آگاهی و نگاه تیزبین به سرانگشتان فعال و خیانتکار دشمن» می‌داند (بیانات، ۱۳۸۱/۰۲/۳۱).

آیت‌الله خامنه‌ای «بیشترین تلاش دشمنان بر روی جامعه، ملت و کشور ما را، تلاش فرهنگی» می‌داند (بیانات، ۱۳۸۵/۶/۶) و بر آن است که «دگر» یا دشمن این گفتمان، بیشترین تلاش خود را معطوف به بخش هویت‌فرهنگی نموده است. در مجموع برای فهم «خود» و «دیگری» به عناصر گفتمان دفاعی ایشان در ادامه توجه خواهیم نمود. عناصری که بی‌گمان با علایق ارزشی درآمیخته و مقولات فرهنگی در آن از اولویت‌های گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای محسوب می‌گردد؛ اما یکی از بزرگترین «دگر» های گفتمان اسلام‌گرا بعد انقلاب اسلامی غیریت‌سازی با «ضدولایت فقیه» است لذا می‌گویند: «این که علمای اسلام و ملت انقلابی ما و دلسوزان جامعه، این قدر روی مسأله‌ی ولایت فقیه عادل تکیه می‌کنند و امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، آن را آن قدر مهم می‌شمردند، به خاطر همین بود که اگر این مسأله‌ی معنوی را از جامعه‌ی اسلامی مان سلب بکنیم... و اگر ما این اشتباه را بکنیم که در مسأله‌ی حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرم‌های رایج دنیایی برویم، معنای جامعه‌ی اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین‌کننده است» (بیانات، ۱۳۶۹/۰۷/۱۷). به عبارتی دفاع از ولایت فقیه بعنوان مفصل گفتمان دفاعی برای ایشان بسیار حائز اهمیت است و توصیه به مصون‌سازی یا ایجاد بستر دفاعی برای جوانان در برابر تبلیغات دشمن می‌کند: «یکی از راه‌هایی که دشمنان در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید» (بیانات، ۱۳۹۵/۰۹/۲۳).

عنصر دین در گفتمان دفاعی

با توجه به جایگاه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر سیاسی و دینی جمهوری. ایران و همچنین کسوت روحانی ایشان، بی‌گمان عنصر دین در فرهنگ به مثابه هویت بسیار حائز اهمیت است لذا برای تبیین حوزه گفتمان‌گونی ایشان در بخش دفاع به مرور حوزه اندیشه‌ورزی وی رجوع خواهیم کرد.

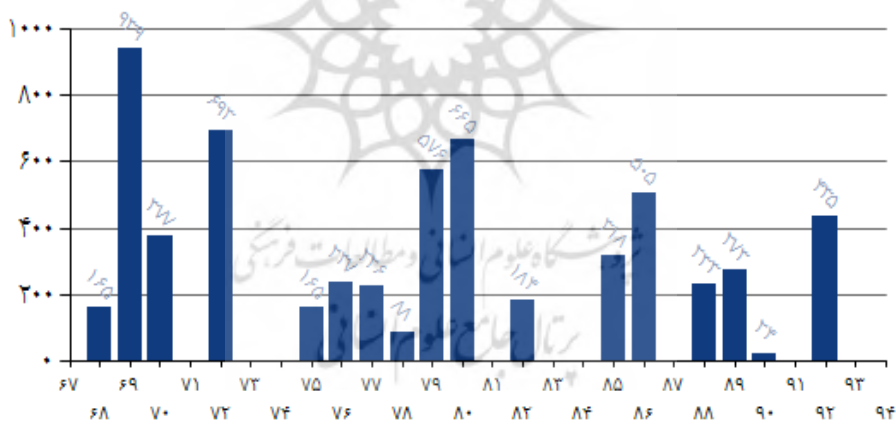
ایشان هیچگاه ملیت و دین را در مقابل هم قرار نمی‌دهند و دین را یکی از ارکان اساسی فرهنگ و هویت می‌دانند (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)؛ و معتقد است هر عامل و هر مبلغی که پایه‌ی این ایمان را سست کند آن هدف پلید را دنبال می‌کند؛ یعنی با عزت‌ملی، با افتخار ملی و با سعادت ملت به مقابله می‌پردازد (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱). وی جامعه بدون تقوا و بدون دین را

بی‌هویت دانسته و تأکید می‌کنند ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین دچار سرگردانی و ذلت می‌شوند (بیانات، ۱۳۹۱/۳/۳)؛ بر همین اساس بر آن است که هر ملتی برای رشد، پیشرفت و دفاع از خود باید انگیزه‌ی درونی و معنوی داشته باشد که در درجه اول، انگیزه ایمانی و دینی است؛ زیرا انگیزه‌ای حرکت‌ساز است و کشورهای فاقد انگیزه‌ی ایمانی، مجبورند حس ناسیونالیسم و قوم‌گرایی و یا وطن‌پرستی را تقویت کنند تا شاید بتوانند خلأ آن انگیزه‌ی معنوی را پر کنند (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴). البته بین احساس ناسیونالیستی و ایمان عمیق مذهبی فرق است؛ زیرا نظام اسلامی، رابطه مردم و مسئولین و حمایت دو جانبه آنها از هم و تلاش و مجاهدت‌ها، در راه خدا انجام می‌شود و دارای عمق و کیفیتی است که در هیچ نظام دیگری یافت نمی‌شود (بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن باور به برتری عنصر دین، معتقد هستند که امروز تنها راه مسلمانان برای مقاومت و دفاع از منافع ملت‌های خود، اتحاد کلمه بر محور اسلام است (بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۱۱)؛ به عبارتی ایشان اسلام را محور و زنجیره هم‌ارزی گفتمان دفاعی مسلمانان تلقی می‌کند؛ و بر آن است که ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که دفاع یک ملت مسلمان را تضمین می‌کند و در فقدان آن، هر نوع دستاورد و پیشرفتی، ممکن است در راه‌های غلطی مثل نابود کردن یک ملت دیگر به کار گرفته شود (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). وی بر این باور است که «ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت‌گرفته‌ی از همین هویت اسلامی است. احساس می‌کند که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد» (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۶).

آیت‌الله خامنه‌ای در برابر آنچه عبدالکریم سروش «دین حداقلی» می‌داند به عنوان «دگر» و خصم می‌ایستد و بر آن است که «دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به‌عنوان دین حداقلی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون بعضی، مذمت شده است»؛ ایشان در ادامه ضمن اشاره به آیات قرآن پیرامون گران خواندن همه‌ی دین برای مشرکان معتقد است «دین حداقلی؛ یعنی کاستن از آرمان‌ها که به‌معنای نابودی سیرت دین است. این دین حداقلی یعنی در واقع دین را حذف کردن». آیت‌الله خامنه‌ای ضمن دفاع از اسلام‌سیاسی و عدم انفعال در برابر اسلام‌هراسی بر آن است که «اینها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام‌سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است... اینکه واقعاً انسان وعده‌ی خدا را،

غیرقابل تحقق بداند بدترین سوءظن به خدای متعال است که خدای متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی آنافتحنا، آن کسانی را که این جور حرکت می‌کنند مورد غضب خود دانسته است» (بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). بدین ترتیب وی عناصر تمایزبخش گفتمان دفاعی خود با لیبرالیسم را بدین صورت مفصل‌بندی می‌کند و ضمن غیریت‌سازی با «دین حداقلی»، آن را خارج از مجموعه باورها و ارزش‌هایش می‌داند.

آیت‌الله خامنه‌ای بر آن است که نباید عقاید دینی را مختص به زنگ تعلیمات دینی نمود بلکه باید باسنجیدگی و فرصت آن را در عمق ذهن و جان متعلم جایگزین کرد (بیانات، ۱۳۸۷/۵/۲۸)؛ بر همین اساس در جمع بسیجیان، باور به اهمیت عنصر «جهاد» در دین را یکی از دال‌های گفتمان دفاعی، مایه عزت ملت و امت اسلامی، بزرگترین سنگر و حصن حصین مقاومت و جهاد فی سبیل‌الله می‌خواند (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۲) با فرجه شدن این عنصر، جهاد فقط مختص به عرصه دفاع، جنگ و جبهه باقی نمی‌ماند بلکه بعدها «جهادی بودن»، «مدیریت جهادی»، «روحیه جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «علم جهادی» نیز بدان اضافه می‌شود (محمدعلیزاده، ۱۳۹۴) که همه‌ی این‌ها با فهمی فرهنگی در گفتمان دفاعی ایشان قابل درک است.

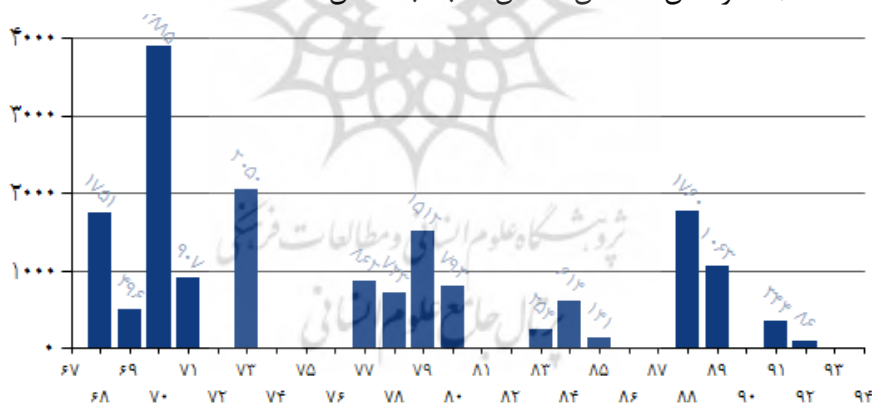


شکل (۲) نمودار تبیین کلید واژه فرهنگ جهاد

عناصر هنر در گفتمان دفاعی

رابطه هنر و هویت در نظام‌های هنری امری مهم به نظر می‌رسد و با تعمق و مطالعه در آثار هنری می‌توان به شناخت هویت فرهنگی یک ملت دست یافت (محمودی و همکاران، ۱۳۸۸). در همین راستا آیت‌الله خامنه‌ای حرکت جدی و مستمر برای تعالی هنر در جامعه را یک

ضرورت می‌پندارد (بیانات، ۱۳۶۳/۲/۲۶) اما معتقد است دو کار باید انجام گیرد یکی تولید فرهنگ و دیگری جلوگیری از آنچه ایشان کالای مضر فرهنگی می‌نامد (بیانات، ۱۳۹۴/۶/۴) لذا به تعریف و تبیین معنای «هنرمند متعهد» همت می‌گمارد چراکه «بحث مسؤولیت و تعهد هنرمند، قبل از هنرمند بودن او به انسان بودن او برمی‌گردد؛ انسان که نمی‌تواند مسؤول نباشد. اولین مسؤولیت انسان در مقابل انسانهاست» (بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱)؛ بدین ترتیب وی ادارک و احساس مسؤولیت را قرین هنر می‌داند و ضمن رد جدایی اخلاق از هنر، هنر ملتزم و متعهد را یک حقیقت و مایه سرافرازی هنرمند می‌داند و جلوگیری از تولید کالای هنری مضر در نگاه ایشان یکی از ضرورت‌های فرهنگی و در نتیجه گفتمان دفاعی تلقی می‌شود. بهمین منظور برای تبیین واژه‌ی هنر آن را با عنصری مثل انقلاب پیوند می‌زند نمودار ذیل برگرفته از سایت حفظ و نشر آثار ایشان، بیانگر اهمیت مفصل‌بندی هنر با انقلاب در گفتمان دفاعی است: «هنر انقلابی که ما از اول انقلاب همین‌طور گفتیم و آن را درخواست کردیم، این است» که از کنار تاریخ خود بی‌تفاوت عبور نکند بلکه «هنر آن است که زیبایی‌ها را درک کند. این زیبایی‌ها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید» (بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱). «در آتش انداختن» همان مقابله با دشمن است.



شکل (۳) نمودار تبیین کلید واژه هنر انقلابی

شعر بعنوان یکی از مولفه‌های هویت فرهنگی در کشور، زمانی برای آیت‌الله خامنه‌ای ارزشمند است که در خدمت گفتمان دفاعی کشور باشد در همین راستا می‌فرماید: «امروز نقطه‌ی مقابلش را ما داریم، الحمدلله، خوشبختانه دیدم چند نفر از این شعرای جوان عزیز ما در مقابل [شعر بی‌تعهد] ایستاده‌اند؛ قبلاً هم شعرهایی در مورد یمن... شنیده‌ام، خوانده‌ام، بسیار خوب است» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۴/۱۰). اینکه هنر با هر شکل آن می‌بایست مقید باشد تنها مختص

شعر نیست این موضوع شامل موسیقی هم است لذا در این باره می‌فرماید: «موسیقی چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، حرام است» و صرف بین‌المللی شدن و درنوردیدن مرزها نمی‌تواند به آن پسوند «خوب یا حلال» را اعطا کند؛ در گفتمان دفاعی آیت-الله خامنه‌ای حتی «ایرانی» و یا سنتی بودن هم نمی‌تواند آب پاکی بر موسیقی باشد: «بعضی خیال می‌کنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غیرسنتی است؛ نه این طوری نیست» بلکه تنها عنصر «تقوا» است که می‌تواند دال «موسیقی» را معنویت ببخشد: «شما جوانان با این زادِ تقوا بتوانید وارد میدان شوید و تولیدهایی داشته باشید که به معنای حقیقی کلمه هم خصوصیات موسیقی خوب و بلیغ را داشته باشد» (بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). بدین ترتیب «دگر» یا دشمن موسیقی در اندیشه ایشان، غربی یا ایرانی بودن نیست بلکه «دگر» آن محتوایات بر اساس «تقوا» می‌باشد.

عنصر زبان و ادبیات در گفتمان دفاعی

«زبان» در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای حامل فرهنگ و هویت نیز است. بهمین منظور (بیانات، ۱۳۹۲/۰۲/۱۹) بر آن است که آموزش زبان انگلیسی حاوی آموزش سبک زندگی انگلیسی نیز می‌باشد؛ وی بر عنصر پالایش زبان تأکید دارد اما در این میان برای عربی استثنا قایل است: «من خیلی نگران زبان فارسی‌ام... و تهاجم به زبان زیاد است... همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی به کار می‌برند. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند»؛ ایشان با این سخنرانی دال‌هایی ادبی در هویت فرهنگی را تبیین نموده و بر آن هستند که این دال‌ها در گفتمان دفاعی بسیار حائز اهمیت است. عبور از زبان عربی بمنظور اهمیت حفظ هویت اسلامی در کنار هویت ایرانی مسئله‌ای است که در کنار هر دال فرهنگی بدان اشاره می‌رود (بیانات، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲).

آیت‌الله خامنه‌ای در جایی دیگر در تبیین تمدن اسلامی... به مسئله زبان به عنوان بخش اصلی زندگی انسان توجه می‌کند (بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) و با اشاره به این موضوع که زبان فارسی مدت‌ها در شبه قاره هند زبان رسمی بوده و بطور طبیعی رایج شد، با آن می‌نوشتند، شعر می‌گفتند اما زبان استعمار به عنوان «دگر» یا دشمن هویت فرهنگی جایگزین زبان فارسی شد و حتی برای فارسی زبانان مجازات تعیین شد؛ بدین ترتیب «خودشان را تحمیل کردند، این می‌شود فرهنگ مهاجم، بنابراین فرهنگ غرب، مهاجم است». به عبارتی ساده‌تر ایشان به روشنگری در خصوص دگر یا دشمن گفتمان دفاعی در عرصه‌ی فرهنگ ادبی پرداختند.

اهمیت زبان فارسی برای آیت‌الله خامنه‌ای در حدی است که در سخنرانی‌های مختلف گریزی به آن موضوع زده (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷ و ۱۳۹۵/۱/۱۱ و ۱۳۹۵/۲/۱۰ و ۱۳۹۲/۰۷/۱۷) و معتقد است که با گسترش علم، می‌توانیم زبان فارسی را وسعت دهیم: «در دنیا هر کسی بخواند به یافته‌های تازه‌ی علمی دست پیدا کند، مجبور بشود زبان فارسی یاد بگیرد؛ همت را این قرار بدهید» و یا بیان می‌دارد که: «هر زبانی که سعه‌ی نفوذ آن زیاد باشد، طبیعی است که با خود فرهنگی را حمل می‌کند. کاری که امروز دولت‌های استعمارگر و سلطه‌طلب می‌خواهند با خرج‌های زیاد و با اعمال نفوذهای فراوانی در دنیا انجام بدهند، زبان فارسی آن کار را با نفوذ طبیعی خودش کرده است»؛ بدین ترتیب ایشان بر این باورند که زبان حامل هویت فرهنگی است (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۷).

عنصر آزادی در گفتمان دفاعی

به تصور نظریه گفتمان (لاکلاو و موفه) هر معنا در ارتباط با رفتار کلی‌ای که در حال وقوع است و هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص درک می‌شود (هوارت، ۱۳۸۸). فهم عنصر آزادی در گفتمان دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای با در نظر داشتن مفاهیم غیریت‌ساز، قابل درک خواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن رویکرد انتقادی نسبت به کسانی که بر این باورند که اصلاً ادیان با حریت و آزادی موافقت ندارند و بر این مدعایند که آزادی اجتماعی، آزادی فردی و آزاد بودن انسان‌ها نخستین بار در اروپا و از سالهای انقلاب فرانسه متولد شده و در نهایت «مفهوم اروپایی و غربی و ناشی از انقلاب فرانسه و انقلاب‌ها و مکاتب غربی است و ربطی به اسلام ندارد»، بر این نکته تأکید دارند که «به عکس مفهوم آزاد بودن انسان‌ها، قرن‌ها پیش از آنکه در اروپا مطرح شود در اسلام مطرح شده» است. وی در ادامه به تفکیک دو معنا از آزادی می‌پردازد: نخست، چنانچه آزادی به معنای آزادی روح انسان از آلائش و رهایی از هوا و هوس‌ها، رذایل و قید و بندهای مادی لحاظ شود، آن آزادی تا امروز هم در انحصار مکاتب الهی است اما چنانچه آزادی به معنای آزادی در مکاتب سیاسی قلمداد شود، در همین مسائل هم اسلام قرن‌ها قبل از انقلاب‌ها و مکاتب اروپایی، این آزادی را به ارمغان آورده است (خواجeh سروی و نادری، ۱۳۹۲). آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون آزادی در جامعه ایران بر آن است که: «در زمینه‌ی کار مربوط به آزادی، هیچ حرف نو، هیچ ایده نو، هیچ منظومه فکری نو - مثل منظومه‌های فکری که غربی‌ها دارند - به وجود نیامد»؛ اما در بین انواع آزادی، آزادی معنوی را برترین فضیلت برای انسان می‌داند و به طرح انواع «آزادی معنوی» می‌پردازد (بیانات، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳). ایشان بر

این باور است که با تحولات عظیم ارتباطاتی که امروز در دنیا بوجود آمده، آزادی متأثر از جنگ فرهنگی به امری پیچیده تبدیل شده است (بیانات، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳).

بدین ترتیب آیت‌الله خامنه‌ای همانطور که بقیه عناصر حوزه گفتمان دفاعی را با «اسلام» زنجیر می‌کند اینجا نیز زنجیره‌ی دال‌ها را با اسلام معنادار و به هم گره می‌زند و می‌گوید: «هیچ لزومی ندارد که ما به لیبرالیسم قرن هجدهم اروپا مراجعه کنیم و دنبال این باشیم که «کانت» و «جان استوارت میل» و دیگران چه گفته‌اند! ما خودمان حرف و منطق داریم. خواهیم گفت که آن حرف‌ها به دلایلی نمی‌تواند برای ما راهگشا باشد. مقوله آزادی را اسلامی بدانید» (بیانات، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲).

عنصر تاریخ و گفتمان دفاعی

برای شناخت بهتر بُرش‌ها و عناصر تاریخی در گفتمان دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای باید نگاهی به حوزه‌ی اندیشه‌ورزی وی انداخت: «تاریخ... در این حوادث و وقایع، سیاست هم هست، فرهنگ هم هست... درد هم هست، بغض هم هست، کینه هم هست. همه اینها وقتی با همدیگر ثبت شد، می‌شود تاریخ» (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۸)؛ «تاریخ واقعاً مهم است. تاریخ، درس و گنجینه اطلاعات ما از گذشته بشریت است؛ سرگذشت ماست» (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۸)؛ اما توجه به عنصر تاریخ در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بسان تاریخ در قرآن بیشتر معطوف به «عبرت گرفتن از تاریخ» بوده است: «هر ملتی که از حوادث درس گرفت، پیروز و موقّق خواهد شد» (بیانات، ۱۳۷۸/۵/۸)؛ «یکی از چیزهایی که بنده نگران آن هستم، این است که این نسل جوان بالنده ما... به تدریج این حوادث مهم را، این عبرت‌های بزرگ دوران معاصر را از یاد ببرد» (بیانات، ۱۳۹۴/۶/۱۸)؛ «من به جوانان عرض می‌کنم، با تاریخ گذشته نزدیک کشورتان آشنا شوید؛ چون یکی از راههای فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به‌وفور صورت می‌گیرد» (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۲۰). لذا با انتخاب دگر «جنگ اراده‌ها» در گفتمان دفاعی خود پیشنهاد ایستادگی، استحکام و استفاده از ظرفیت‌های فراوان کشور را می‌دهد (بیانات، ۱۳۹۴/۰۹/۰۲).

بدین ترتیب وی بر آن است که عنصر تاریخ بدون دال و نشانه‌ی «عبرت» بی‌فایده است؛ چراکه «عبرت تاریخی» می‌تواند بر مولفه‌های دفاعی کشور موثر واقع شود: «در سرتاسر ایران کنونی ما تمدن‌های بسیار قدیمی وجود دارد؛ تمدن‌های شش هزار ساله، هفت هزار ساله... این‌جا سه هزار سال زنده بوده است؛ سه هزار سال مشغول ساختن و تولید تمدن و علم و زندگی بوده است؛ این خیلی مهم است... این گذشته‌ی تاریخی به چه دردی می‌خورد؟ این

گذشته را به عنوان یک شجره‌نامه فقط در جیبمان بگذاریم و به آن افتخار کنیم!» (بیانات، ۱۳۸۳/۴/۱۹)؛ ایشان با این سوال استفهامی بر آن است که باید از سوابق تاریخی و هویت-فرهنگی یک ملت که بیانگر استعدادهای آن است کمال استفاده بشود (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۲۰) و بر این باور است که این کمال در عبرتی است که می‌توان از تاریخ آموخت: «من، همیشه به جوانان و محصلین و طلبان و دیگران می‌گویم که تاریخ را جدی بگیرید و با دقت نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است: «تلك أمة قد خلت». عبرت از گذشتگان، درس و آموزش قرآن است» (بیانات، ۱۳۷۴/۱۰/۵). بدین ترتیب عبرت گرفتن از تاریخ به مثابه یک مولفه گفتمان-دفاعی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

عنصر سرزمین و گفتمان دفاع

شاید تفکیک مفهوم سرزمین، امت اسلامی و ملت در گفتمان ایشان چندان کار درستی نباشد اما در توجه به این مهم می‌گویند: «بخشی از فرهنگ یک ملت، از اقلیم، از آب و هوا، از موقعیت جغرافیایی، از جغرافیای سیاسی سرچشمه می‌گیرد» (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳) بدین ترتیب سرزمین و جغرافیای ایران حامل فرهنگی است که به نظر آیت‌الله خامنه‌ای با تمسک به اسلام، ثمره خیرات و برکات می‌شود (بیانات، ۱۳۸۷/۲/۱۹)؛ باز هم شاهد مفصل‌بندی مفاهیم، حتی مفهوم سرزمین با هویت فرهنگی و زنجیر آن با «اسلام» هستیم؛ از این زنجیره‌ی فرهنگی است که می‌توان گفتمان دفاعی را فهم نمود.

آیت‌الله خامنه‌ای علاقه به این جغرافیا و کشور را برای دفاع از کشور و ملت ضروری دانسته (بیانات، ۱۳۷۸/۰۸/۱۲ و ۱۳۶۸/۰۷/۰۵ و ۱۳۷۹/۰۸/۲۴) و بر آن است که هویت برخواسته از این جغرافیا ضامن پیشرفت و استقلال است: «اگر کشوری از لحاظ ملی، یک کشور بی‌هویتی بود این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد و پیشرفتی که بر اساس تقلید و یا باختن هویت-مستقل ملی همراه باشد، پیشرفت نیست» (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). آنچه دشمنان این ملت همیشه می‌خواسته‌اند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۶). به عبارتی عنصر فرهنگی هویت باز هم در گفتمان دفاعی ظاهر می‌شود و ایشان بر آن است که ملتی قدرت و عزت دارد که از مبانی هویتی خود دفاع کند.

عنصر نژاد و گفتمان دفاعی

آیت‌الله خامنه‌ای نژاد را دالی در گفتمان دفاعی خود نمی‌داند و با استناد به آیه ۱۳ سوره حجرات این اکریمکم عندالله اتقاکم، بر آن است که بین نژادها و زبانهای مختلف تفاوتی نیست و

اختلافات قومیتی و ناسیونالیستی بکلی با دیدگاه اسلام منافات دارد. لذا باید از انگیزه‌های تفرقه‌ی بین انسان‌ها مثل قومیت، نژاد، خون و رنگ پرهیز کرد (بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲)؛ این دیدگاه در گفتمان دفاعی وی، با عنایت به عنصر «امت واحد» و همچنین مفصل‌بندی بر اساس اسلام بسیار مبرهن می‌باشد: «ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرفه‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار میکشند، ثابت کنیم. فلان کشور اروپایی ثابت می‌کند که نژاد من برترین است. آن یکی می‌گوید خیر، نژاد من برترین است. حتی این تنافس و تفاخر، به جنگ‌های بین‌المللی و خونریزیها و خرجهای کلان هم کشیده میشود! نه ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی - که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است- و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آنها قایلیم» (بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

شکل و الگوی ذیل متناسب با رهیافت تحلیل گفتمان، بیانگر این مطلب است که در گفتمان - دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای، «هویت فرهنگی» مبتنی بر اسلام، دال مرکزی است؛ و ولایت فقیه بعنوان مفصل همه‌ی دال‌ها در گفتمان دفاعی ایشان نقش محوری دارند البته نباید زنجیرهم - ارزی اسلام‌سیاسی که ربط وثیقی با ولایت فقیه، دین حداکثری، جهاد و انقلاب دارد، فراموش گردد. این الگوی گفتمانی نه تنها در اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای، بلکه با اندکی تغییر در سایر بخش‌های اندیشه‌ورزی ایشان نیز قابل فهم و درک است؛ اما آنچه در این پژوهش مهم است تبیین اندیشه‌ی دفاعی ایشان در الگویی بود که پژوهشگر در شکل شماره (۴) موفق به ترسیم آن شد.

آیت‌الله خامنه‌ای تا زمانی که با مفاهیمی مثل اسلام، ولایت فقیه و یا انقلاب مفصل‌بندی نشود در خارج از دایره گفتمانی ایشان باقی خواهد ماند و نقش یک عنصر آزاد را بازی خواهد کرد اما به محض مفصل‌بندی صحیح و یا زنجیرشدن با اسلام براحتی وارد گفتمان دفاعی ایشان خواهد شد و حتی بر مرکز این گفتمان خواهد نشست. دال‌های جهاد، آزادی، شعر، موسیقی و... نیز بر همین منوال است یعنی باید دید که با چه چیز قابلیت مفصل‌بندی دارد و گرنه در خارج از گفتمان دفاعی ایشان خواهند ماند و راه به جایی نمی‌برند.

گفتمان دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای پس از رهبریت جمهوری اسلامی توانست شکل عینیت بیشتری گرفته و به غیریت‌سازی با دگرها (دشمن‌ها) چرداخته است و در ادامه به تبیین مرزهای گفتمانی خود همت گماشته است. به همین منظور شاهد شنیدن مفاهیم حول «تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، عملیات روانی، تبلیغات رسانه‌ای و...» بوده‌ایم و برای مقابله با آنها آیت‌الله خامنه‌ای به عنصر «انسان فرهنگی» که با فهم هویت فرهنگی قابل درک است، تأکید دارد. این انسان فرهنگی با بهره از اسلامی سیاسی و فرهنگی جهادی، ولایت‌پذیر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ماحصل این پژوهش برای یافتن اینکه هر جا سخن از مقاومت و دفاع است وجوهی از فرهنگ و نگاهی فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای بر سایر نگاهها اولویت دارد؛ محقق شد. به همین منظور پژوهشگر به تبیین و ترسیم الگوی هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی در شکل شماره (۴) برآمد. شکل مطروحه با کمک روش تحلیل گفتمان به ترسیم فرضیه پژوهش بر آمد و این نتیجه را که هویت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از عاملان مهم در سیاست-گذاری کشور به مثابه گفتمان دفاعی است، به بهترین شکل تبیین شد.

اینکه گفتمان دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای منجر به انتخاب چه روش دفاعی ویژه‌ای در برابر دشمن می‌شود؛ موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی به ترسیم آثار و تأثیرات این گفتمان در عرصه‌ی بین‌المللی بپردازد؛ تا جایگاه گفتمان تبیین شده در این پژوهش ارزیابی گردد.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نشر نگاه معاصر
- باوند، داوود (۱۳۷۹). *میزگرد سیر تحول تاریخی در ایران از اسلام تا امروز*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵

- بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، برگرفته از سایت www.khamenei.ir از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷.
- پناهی، صادق؛ معروفی، یحیی (۱۳۹۵). جایگاه مولفه‌های هویت فرهنگی در کتاب ادبیات فارسی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال سیزدهم، دوره دوم، شماره ۲۳ (پیاپی ۵۰)، پاییز، صص ۸۹-۱۰۱.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه‌جانبه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان، صص ۱۳۷-۱۵۸.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران، ناشر فرهنگ گفتمان
- جهانگللو، رامین (۱۳۸۴). موج چهارم، مترجم: منصور گودرزی، تهران، نشرنی
- حسینی‌زاده، محمد علی (۱۳۸۶). اسلام‌سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید
- خرمشاد، محمدباقر؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۸۹). روشنفکران ایرانی و هویت در آیین بحران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان، صص ۶۰-۲۷
- خرمشاد، محمدباقر؛ کلانترمهر جردی، علیرضا؛ صولتی، حسین (۱۳۹۷). گفتمان هویت‌ملی جریان ناسیونالیسم، جستارهای سیاسی معاصر، سال نهم، شماره اول، بهار، صص ۲۱-۴۸.
- خواجه سروی، غلامرضا؛ نادری، مهدی (۱۳۹۲). آزادی در گفتمان فقه‌های انقلاب اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۷-۵۵
- زرین‌قلم، محمد (۱۳۸۷). راستی! این چه قسمتی است؟ ویژه نامه تدویم/آفتاب، ۱۷ اسفند، قابل دسترسی در <http://www.webcitation.org/6iDSIXVk3>، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۱۲/۲۰.
- سیدقطب (۱۳۷۸). نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، تهران: نشر احسان
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۴)، گفتگو با مانوئل کاستلز، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جو افشانی، تهران، نشر نی.
- کرم‌زاده، سیامک (۱۳۸۲). تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۱ پیاپی ۲۸، صص ۱۶۵-۱۸۱. مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹). هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران، نشر فرزانه، چاپ نخست
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۱۰.
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، مترجم: حسین علی نودری، تهران، فرهنگ گفتمان، چاپ اول.

- محمدعلیزاده، اکبر؛ زارع، ساسان (۱۳۹۴). الگوی عمل جهادی از دیدگاه امام خامنه‌ای، *فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی*، سال ۲۳، شماره ۳، پاییز، ۴۷-۷۰
- محمودی، فتانه؛ طاووسی، محمود؛ فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). تجلی هویت ملی در هنر ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳۷، سال دهم، شماره یک مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). انسان در قرآن، قم: انتشارات صدرا
- منوچهری و همکاران (۱۳۸۷). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران، سمت
- نورائی، مهرداد (۱۳۹۳). تحلیل بر تأثیرات متقابل هویت فرهنگی و تغییرات جامعه، *فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۱۱۳-۱۲۱.
- ویسی، امیر (۱۳۹۱). *زندگی‌نامه آیت‌الله خامنه‌ای در حلقه علی شریعتی*، بخش هفتم، قابل دسترسی در سایت رادیو فردا، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۷/۲۳
- هابرماس و همکاران (۱۳۹۱). *دین و روابط بین‌الملل*، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷
- هورات، دیوید (۱۳۸۸). *نظریه گفتمان، روش و نظریه در علوم سیاسی*، دیوید مارش و جری استوکر، ترجمه: امیر محمدحاجی بوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- Harper, J (2006). *Identity Crisis: How Identification is Overused and Misunderstood?* CATO INSTITUTE: Washington D.C.